

١٥١

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

## بە سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

آغوشى گشودە

دەر

پیشواز اندوه و نالە

۱۴۳۲ ذى الحجه ۲۶  
۱۳۹۰ آذر ۲

تکشیر این جزو ه

با رعایت محتوا ، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



«الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآلها الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم ومخالفتهم ومعانديهم ومنكري فضائلهم ومناقبهم وغاصبي حقوقهم إلى يوم الدين». قال الله تبارك وتعالى :

**﴿وَلِكُلِّ دَرْجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ﴾**<sup>(۱)</sup>.

و برای هر یک (از این دو دسته) درجات (و مراتبی) است از آنچه عمل کردند؛ و پروردگاری از اعمالی که انجام می‌دهند، غافل نیست.

### كيفیت اعمال انسان و مراتب آن

بر اساس آیات و روایات تمام اعمال انسان در روز قیامت، تجسم پیدا می‌کند و در ترازوی عدل الهی، سنجیده می‌شود؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

**﴿وَنَصَّعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾**<sup>(۲)</sup>.

ما ترازوهای عدل رادر روز قیامت برپا می‌کنیم.

باتوجه به آیه‌ی فوق، پروردگار، سرمایه‌ها و دست‌آوردهای هر یک از بندگان را می‌سجد و توزین و اندازه‌گیری می‌کند. این سرمایه‌ها، همان اعمال و رفتاری

۱. سوره انعام، آیه ۱۳۲.

۲. سوره انبیاء، آیه ۴۷.

است که از انسان صادر می‌شود. میان حکما، متکلمان و مفسران در مورد تجسیم اعمال انسان در روز قیامت، اختلافات فراوانی وجود دارد. عده‌ای می‌گویند: تمام اعمال و رفتار بشر در صحنه‌ی قیامت، همانند جسم حجیمی که دارای وزن است، وارد ترازوی عدل الهی می‌شود. در مقابل عده‌ای دیگر می‌گویند: اعمالی که از بشر صادر می‌شود، جزو اعراض<sup>(۱)</sup> است و برای بقای اعمال، نیاز به جوهر<sup>(۲)</sup> دارد. طبق این نظریه، اعمال انسان در عالم خارج موجود نمی‌باشد و آنچه که باقی می‌ماند، آثار آن عمل است. گروه اول که قائل به تجسیم اعمال شده‌اند، رفتار و کردار انسان را از مقوله‌ی اعراض نمی‌دانند و به آیات فراوانی از قرآن استدلال می‌کنند. خداوند متعال می‌فرماید:

۱. ﴿وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّ أَحَدًا﴾<sup>(۳)</sup>.

آنچه را که انجام داده‌اید در روز قیامت در پیش چشم خود حاضر و هویدا خواهید دید.

۲. ﴿يَوْمَ تَجْدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ حَيْرٍ مُّخْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ﴾<sup>(۴)</sup>.

روز قیامت روزی است که هر کس همان چیزهایی که انجام داده است از خیر و شر حاضر و موجود خواهد دید.

۱. عرض موجودی است که برای وجود پیدا کردن نیازمند موضوع است (فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا، صفحه ۳۳۰).

۲. جواهر موجودات قائم به ذات‌اند و نیازی به موضوع ندارند (فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا، صفحه ۲۷).

۳. سوره کهف، آیه ۴۹.

۴. سوره آل عمران، آیه ۳۰.

۱۵۱ ۳. ﴿ وَبِدَا لَهُمْ سَيِّئَاتٌ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهِنُونَ ﴾<sup>(۱)</sup>.

(در آن روز) اعمال بدی را که انجام داده‌اند برای آن‌ها آشکار می‌شود، و آنچه را استهزا می‌کردند بر آن‌ها واقع می‌گردد.

۴. ﴿ وَبِدَا لَهُمْ سَيِّئَاتٌ مَا عَمِلُوا ﴾<sup>(۲)</sup>.

و بدی‌های اعمال شان برای آنان آشکار می‌شود.

۵. ﴿ يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيُقُولُ الْكَافِرُ يَا أَيُّثَنِي كُنْتُ تُرَابًا ﴾<sup>(۳)</sup>.

این عذاب در روزی خواهد بود که انسان آنچه را از قبل با دستان خود فرستاده می‌بیند، و کافر می‌گوید: «ای کاش خاک بودم (و گرفتار عذاب نمی‌شدم)!».

۶. ﴿ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ حَيْرًا يَرَهُ \* وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴾<sup>(۴)</sup>.

پس هر کس به مقدار ذره‌ای کار خیر انجام دهد آن را می‌بیند \* و هر کس به مقدار ذره‌ای کار بد کرده آن را می‌بیند.

علاوه بر آیات فوق ، روایات فراوانی هم وجود دارند که تجسيم اعمال در روز قیامت را تایید می‌کنند . حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرمایند :

« يخرج من ذلك رجل لم تر عيناه شيئاً قطّ أحسن منه ، فيقول : « يا

۱. سوره الزمر، آیه ۴۸.

۲. سوره جاثیه، آیه ۳۳.

۳. سوره نبأ، آیه ۴۰.

۴. سوره زلزله، آیات ۷ و ۸.

عبدالله ! مارأيت شيئاً قطّ أحسن منك ». فيقول : « أنا رأيك الحسن الذي كنت عليه ، و عملك الصالح الذي كنت تعمله » ... ثم إِنَّه يخرج منه رجل أقبح من رأى قطّ ، قال : فيقول : « يا عبدالله ! من أنت ؟ ما رأيت شيئاً أقبح منك ». قال : فيقول : « أنا عملك السيئ الذي كنت تعمله ورأيك الخبيث »<sup>(۱)</sup>.

مردی از قبر بیرون می آید که چشمان میت، چیزی زیباتراز آن را ندیده است. پس می گوید: ای بنده خدا! تاکنون چیزی، زیباتر از تو ندیدم. آن مرد در جواب می گوید: من عقیده‌ی پسندیده توام که بر آن استوار بودی و عمل شایسته توام که آن را انجام دادی ... سپس، مردی از قبر خارج می شود که چیزی زشت تراز آن راندیده است. میت می گوید: ای بنده خدا! تو چه کسی هستی؟ تاکنون چیزی زشت تراز تو ندیدم. آن مرد می گوید، من عقیده‌ی فاسد و عمل ناشایست توام که تو در دنیا انجام می دادی.

در شب معراج، هنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام، رسول خدا صلی الله علیه وساتعہ را مشاهده کردند، به ایشان صلی الله علیه وساتعہ عرض کردند:

«أَنَّ الْجَنَّةَ طَيِّبَةُ التَّرْبَةِ، عَذْبَةُ الْمَاءِ وَأَنَّهَا قِيعَانٌ وَغَرَاسَهَا سَبْحَانُ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لَهُ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»<sup>(۲)</sup>.

همانا خاک بهشت طیب و پاکیزه و آب آن گواراست. در آن زمین‌های همواری وجود دارد که نهال‌های آن ذکر «سبحان الله والحمد لله ولا إلَه إِلَّا الله وَاللَّهُ أَكْبَر» می باشد.

۱. کافی، جلد ۳، صفحه ۲۴۱.

۲. مجمع الزوائد، جلد ۱۰، صفحه ۹۱.

بعد از این که رسول خدا ﷺ این حدیث را برای مردم بازگو نمودند، عمر بن خطاب از جای برخاست و گفت: «ای رسول خدا ﷺ! پس ما در بهشت، درختان فراوانی داریم!» حضرت ﷺ فرمودند: «بله! به شرطی که مرتکب اعمال ناپسند نشوید؛ زیرا عمل زشت، درختان را می‌سوزاند و از بین می‌برد»<sup>(۱)</sup>. روایات فراوانی در مورد تجسيم اعمال وجود دارد که در این مقال نمی‌گنجد. انسان بعضی از اعمال را با اعضاي ظاهري، مثل دست، چشم و پا، انجام مى‌دهد که به آن «اعمال جوارحي» مى‌گويند و بعضی از اعمال توسط قلب و انديشه‌ي انسان صورت مى‌پذيرد که به آن «اعمال جوانحي» مى‌گويند. تمام اعمال انسان؛ اعم از اعمال جوارحي يا جوانحي؛ چه از مقوله‌ي عَرض و چه از مقوله‌ي جوهر باشند، معيار و مبناي سعادت و شقاوت انسان‌ها قرار مى‌گيرد. بنابراین، اعمالی که از دست، چشم يا فکر و انديشه‌ي انسان صادر مى‌شود يا او را سعادت‌مند مى‌سازد و ياشقي و بدبخت مى‌نماید. حتی اين اعمال مى‌توانند درجات و دركات انسان را پس از ورود به بهشت يا جهنم معين سازند. مويد اين مطلب آياتي از قرآن مجید مى‌باشد.

خداؤند متعال مى‌فرماید:

﴿وَلِكُلِّ دَرْجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ﴾<sup>(۲)</sup>.

وبرای هر يك (از اين دو دسته) درجات (و مراتبي) است از آنچه عمل کردند؛ و پروردگارت از اعمالی که انجام مى‌دهند، غافل نیست.

در آيه‌اي ديگر، خداوند سبحان مى‌فرماید:

۱. بحار الأنوار، جلد ۸، صفحه ۱۸۷.

۲. سوره انعام، آيه ۱۳۲.

﴿مَا سَلَكْتُمْ فِي سَقَرَ \* قَاتُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلَّيْنَ \* وَلَمْ نَكُ نُطْعَمُ  
الْمِسْكِينَ﴾<sup>(۱)</sup>.

چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟! \* می‌گویند: «ما از نمازگزاران نبودیم \* و اطعام مستمندان نمی‌کردیم».

با توجه به آیات فوق، بهشت و جهنم دارای مقامات و مواضع متعدد می‌باشد. بنابراین، مقتضای عدل الهی این است که تمام مراتب و درجات نظام هستی، بر اساس عمل انسان شکل بگیرد. شارع مقدس از میان اعمال، اهمیت زیادی به اعمال جوانحی می‌دهد. رسول الله ﷺ می‌فرمایند:

«نیة المؤمن خير من عمله»<sup>(۲)</sup>.

نیت شخص مومن بهتر از عمل اوست.

حضرت امیرالمؤمنین علیہ السلام می‌فرمایند:

«إِنَّ اللَّهَ سَبَحَنَهُ يَحْبُّ أَنْ تَكُونَ نِيَّةُ الْإِنْسَانِ لِلنَّاسِ جَمِيلَةً»<sup>(۳)</sup>.

همانا خداوند سبحان دوست دارد نیت انسان نسبت به تمام مردم زیبا و خیر باشد.

سخن ایشان علیہ السلام می‌تواند الگو و مبنای تربیتی مناسبی برای انسان باشد؛ زیرا بدخواهی وزشت خواهی در مورد دیگران، حکایت از خبث سریره‌ی انسان دارد. نکته‌ی دیگر آن که، هیچ عملی از دیدگاه پروردگار پنهان نمی‌ماند. خداوند متعال می‌فرماید:

۱. سوره مدثر، آیات ۴۲-۴۴.

۲. کافی، جلد ۲، صفحه ۸۴.

۳. تصنیف غرر الحکم، صفحه ۲۵۳.

﴿وَمَا يَعْرُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالٍ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا

﴿أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ﴾<sup>(۱)</sup>.

و هیچ چیز در زمین و آسمان، از پروردگار تو مخفی نمی‌ماند؛  
حتی به اندازه‌ی سنگینی ذره‌ای؛ و نه کوچکتر و نه بزرگتر از آن  
نیست، مگر این‌که (همه‌ی آنان) در کتاب آشکار (ولوح محفوظ)  
ثبت است.

در قرآن کریم، حضرت لقمان علیه السلام به فرزندش این چنین نصیحت می‌کند:

﴿يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تُكِنْ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ حَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي  
السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَيْرٌ﴾<sup>(۲)</sup>.

پسرم! اگر به اندازه‌ی سنگینی دانه‌ی خردلی (کارنیک یا بد) باشد، و در دل سنگی یا در (گوشه‌ای از) آسمان‌ها و زمین قرار گیرد، خداوند آن را (در قیامت برای حساب) می‌آورد؛ خداوند دقیق و آگاه است.

در انتهای آیه‌ی فوق، دو نام از اسمای الهی، یعنی لطیف و خبیر، ذکر شده است. «خبیر» که به معنای «بینایی» می‌باشد<sup>(۳)</sup>، برای خداوند فضیلت منحصر به فردی نیست؛ زیرا مخلوقات او نیز بینا هستند؛ اما ویژگی منحصر به فرد پروردگار «لطافت» اوست؛ به این معنا که هر آنچه که برای انسان قابل رویت نیست، او می‌بیند؛ ولذا بعضی از اعمال انسان را فقط خداوند می‌داند و حتی فرشتگان الهی

۱. سوره یونس، آیه ۶۱.

۲. سوره لقمان، آیه ۱۶.

۳. المنجد، ذیل واژه‌ی «خبر».

نیز از آن بی خبرند . از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سوال شد : چه اعمالی است که فقط خداوند می داند و فرشتگان الهی مثل نکیر و منکر از آن مطلع نیستند ؟ حضرت علیه السلام فرمودند : نیت گناه است . اگر انسان نیت گناه داشته باشد مجرم است ، اما تا آن را انجام ندهد ، خداوند آبرویش را نزد نکیر و منکر نمی برد و آنان را مطلع نمی سازد .

بنابراین ، با توجه به اهمیت نقش اعمال انسان در تعیین سعادت یا شقاوت وی ، باید مراتب اعمال به خوبی آشکار شود . طبق قانون حکمت و برهان عقلی ، اعمال انسان دارای سه مرتبه است : ۱ - ریشه‌ی عمل ؛ یعنی عوامل و انگیزه‌هایی که موجب می شود ، انسان عملی را انجام دهد ۲ - صورت و شاکله‌ی عمل ؛ یعنی آشکار شدن عمل در عالم خارج ۳ - آثار و ثمرات عمل . اکنون با توجه به مراتب سه گانه‌ی اعمال و رفتار انسان‌ها ، عمل حضرت سیدالشہدا علیه السلام در روز عاشورا را مورد بررسی قرار دهیم .

### ریشه‌ی عمل حضرت سیدالشہدا علیه السلام

به راستی چه عواملی باعث شد که حضرت سیدالشہدا علیه السلام در روز عاشورا به نبرد اقدام نمایند و صحنه‌های محیر العقولی را خلق کنند و بسان نقاشی زبردست ، صحنه‌ای تراژدی و غمناک را در صحراجی کربلا ترسیم نمایند ؟ عمل انسان مومن ، از ارتباطی که بین خود و پروردگاراش تعریف کرده است ، سرچشمه می‌گیرد . به عنوان نمونه ، انسانی که با قصد قربت به نماز می‌ایستد یا خمس اموال اش را می‌پردازد ، انگیزه‌اش پیوند و ارتباطی است که با خدای خویش تعریف کرده است .

اگر بخواهیم ارتباط حضرت سیدالشہدا علیه السلام و پروردگار را شناسایی کنیم تا به

این وسیله از انگیزه‌ی ایشان علیهم السلام آگاه شویم، باید واقعه‌ی عاشورا را ره‌کنیم؛ زیرا ۱۵۱ ایشان علیهم السلام در آن زمان، در مضيقه و فشار سنگینی بودند؛ اما اگر به گفتگوی جذاب و دلنشیں حضرت علیهم السلام با خداوند متعال در صحرای عرفات توجه کنیم، می‌توانیم نکات فراوانی به دست آوریم و رابطه‌ی ایشان علیهم السلام با پروردگار را شناسایی کنیم.

با کمی تأمل و مقایسه بین سخنان حضرت سیدالشهدا علیهم السلام در دعای عرفه با گفتار اولیای الهی همچون حضرت یونس علیهم السلام، می‌توان به گوشه‌ای از مقامات والای حضرت امام حسین علیهم السلام دست یافت. پروردگار سبحان در مورد حضرت یونس علیهم السلام می‌فرماید:

﴿وَذَا الْوُنُونِ إِذْ دَكَبَ مُعَاصِيًّا فَقَطَنَ أَنْ لَنْ تُفْرِزَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي  
الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾<sup>(۱)</sup>.

و ذالنون [یونس علیهم السلام] را (به یاد آور) در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت؛ و چنین می‌پندشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت؛ (اما موقعی که در کام نهنگ فرو رفت) در آن ظلمت‌ها (ی متراکم) صدا زد: (خداؤندا!) جز تو معبدی نیست؟ منزه‌ی تو! من از ستم کاران بودم».

ارتباطی که حضرت یونس علیهم السلام با پروردگاراش داشت، در آیه‌ی فوق به خوبی تجلی داده شده و ایشان علیهم السلام فقط خود را در برابر عظمت پروردگار، ظالم و ستمگر معرفی نمود. اما حضرت سیدالشهدا علیهم السلام وقتی خود را در برابر عظمت خداوند متعال می‌بینند، عرض می‌کنند:

« لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين ، لا إله إلا أنت سبحانك  
 إني كنت من المستغرين ، لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من  
 الموحدين ، لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الخائفين ، لا إله إلا  
 أنت سبحانك إني كنت من الوجلين ، لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت  
 من الراجين ، لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الراغبين ، لا إله إلا  
 أنت سبحانك إني كنت من المهللين ، لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت  
 من السائلين ، لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من من المسبيحين ، لا  
 إله إلا أنت سبحانك إني كنت من المكربين ، لا إله إلا أنت سبحانك  
 ربّي وربّ آبائي الأولين »<sup>(۱)</sup>.

معبودی جز تو نیست ، منزهی تو و من از ستم کارانم ، معبودی جز  
 تو نیست ، منزهی تو و من از آمرزش خواهانم ، معبودی جز تو  
 نیست ، منزهی تو و من از یگانه پرستانم ، معبودی جز تو نیست ،  
 منزهی تو و من از ترسناکانم ، معبودی جز تو نیست ، منزهی تو و  
 من از تو هراسناکم ، معبودی جز تو نیست ، منزهی تو و من از  
 امیدوارانم ، معبودی جز تو نیست ، منزهی تو و من از مشتاقام ،  
 معبودی جز تو نیست ، منزهی تو و من از تهلیل (لا الله إلا الله)  
 گویانم ، معبودی جز تو نیست ، منزهی تو و من از خواهندگانم ،  
 معبودی جز تو نیست ، منزهی تو و من از تسبیح گویانم ، معبودی  
 جز تو نیست . منزهی تو و من از تکبیر گویانم ، معبودی جز تو  
 نیست ، تو منزهی و پروردگار من و پروردگار پدران پیشین منی .

حضرت ﷺ در این گفتگو با پروردگار، از توحید الوهیت آغاز و به توحید ربویت ۱۵۱ پایان می‌رساند. در این میان، دوازده منزل وجود دارد که حضرت ﷺ در این فراز، به تمام دوازده منزل اشاره کرده است. بنابراین اگر منزل دیگری بود، یقیناً حضرت ﷺ به آن دست یافته بودند. پروردگار سبحان می‌فرماید:

﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ أَثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ﴾<sup>(۱)</sup>.

تعداد ماهها نزد خداوند در کتاب الهی، از آن روز که آسمان‌ها و زمین را آفریده، دوازده ماه است.

خداوند متعال در قرآن، حضرت یونس ﷺ را تکریم می‌کند و سوره‌ای خاص برای ایشان ﷺ نازل شده است؛ اما مقام حضرت یونس ﷺ کجا و مقام حضرت سیدالشهدا ﷺ کجا؟! حضرت سیدالشهدا ﷺ به مقام توحید محبت رسیده بودند. این مرتبه از توحید، در کلام حضرت ﷺ در روز عاشورا تجلی پیدا کرد. ایشان ﷺ فرمودند:

ترکت الخلق طرّاً في هوا كا وأيتمت العيال كي أراكا<sup>(۲)</sup>

در هوای تو (پروردگار) تمامی خلائق را ترک نمودم، و خاندانم را یتیم کردم تا تو را ببینم.

این مقام، همان مقامی است که خداوند به عده‌ای خاص عطانموده است.

حضرت آدم، حضرت نوح، حضرت ابراهیم و دیگر انبيای الهی ﷺ از مکتب حضرت سیدالشهدا ﷺ جا مانده‌اند و باید به منزله‌ی طفل دبستانی در مدرسه‌ی

حضرت سیدالشهدا علیه السلام درس بیاموزند.

حضرت امام صادق علیه السلام در زیارت وارث می فرمایند:

«السلام عليك يا وارث آدم صفوة الله، السلام عليك يا وارث نوح  
نبي الله، السلام عليك يا وارث إبراهيم خليل الله، السلام عليك يا  
وارث موسى كليم الله، السلام عليك يا وارث عيسى روح الله، السلام  
عليك يا وارث محمد حبيب الله»<sup>(۱)</sup>.

سلام بر توای وارث حضرت آدم علیه السلام برگزیده خدا، سلام بر تو  
ای وارث حضرت نوح علیه السلام پیغمبر خدا، سلام بر توای وارث  
حضرت ابراهیم علیه السلام خلیل خدا، سلام بر توای وارث حضرت  
موسی علیه السلام هم سخن با خدا، سلام بر توای وارث حضرت  
عیسی علیه السلام روح خدا، سلام بر توای وارث حضرت محمد علیه السلام  
حبيب خدا.

طبق گفتار حضرت امام صادق علیه السلام، حضرت سیدالشهدا علیه السلام میراثدار هر  
آنچه که خداوند به حضرت آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی علیهم السلام و حضرت  
محمد علیهم السلام داده است، می باشند. در حدیث لوح، خداوند، حضرت امام  
حسین علیه السلام را خزانه دار وحی الهی معرفی کردند:  
«وجعلت حسيناً خازناً وحبي»<sup>(۲)</sup>.

و حسین علیه السلام را خزانه دار وحی ام قرار دادم.  
ابتدای وحی الهی با آفرینش حضرت آدم علیه السلام آغاز شد.

خداؤند متعال می فرماید:

﴿وَعَلَمَ آدَمُ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي  
بِالْأَسْمَاءِ هُوَ لَاءٌ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾<sup>(۱)</sup>.

سپس علم اسماء (علم اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات) را به حضرت آدم علیه السلام آموخت، بعد آن‌ها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: اگر راست می‌گویید، اسمای این‌ها را به من خبر دهید.

سپس وحی الهی با شهادت رسول خدا علیه السلام به پایان رسید.

پروردگار سبحان می فرماید:

﴿فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِهِ مَا أُوْحَى﴾<sup>(۲)</sup>.

خداؤند آنچه را وحی کردنی بود به بندهاش وحی نمود.

با توجه به این دو آیه و ضمیمه کردن فرازی از حدیث لوح، در می‌یابیم که حضرت سیدالشهدا علیه السلام خزانه دار تمام وحی‌ای است که از حضرت آدم علیه السلام آغاز گردید و به رسول خدا علیه السلام ختم شد. حضرت سیدالشهدا علیه السلام علاوه بر اینکه خزانه‌دار وحی‌الهی بودند، تمام علوم الهی را نیز دارا بودند. در این رابطه حضرت امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

«إِنَّ اسْمَ اللَّهِ الْأَعْظَمَ عَلَى ثَلَاثَةِ وَسْبَعينَ حِرْفًا وَإِنَّمَا كَانَ عِنْدَ آصَفِ  
مِنْهَا حِرْفٌ وَاحِدٌ، فَتَكَلَّمُ بِهِ، فَخَسْفٌ بِالْأَرْضِ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ سَرِيرِ  
بَلْقَيْسَ حَتَّى تَنَاوُلَ السَّرِيرِ بِيَدِهِ، ثُمَّ عَادَتِ الْأَرْضُ كَمَا كَانَتْ أَسْرَعَ مِنْ

ظرفة عین؛ ونحن عندنا من الاسم الأعظم إثنان وسبعون حرفًا،  
وحرف واحد عند الله تعالى استأثر به في علم الغيب عنده ولا حول ولا  
قوّة إلا بالله العلي العظيم»<sup>(۱)</sup>.

به درستی که اسم اعظم الهی دارای هفتاد و سه قسمت است.  
آصف از این مقدار، تنها یک بخش را می‌دانست، و با آن زمین  
میان خود و تخت بلقیس رادرهم پیچید و تخت را به دست خود  
گرفت و کمتر از چشم برهم زدن، زمین به شکل نخست خود  
بازگشت. هفتاد و دو قسمت از اسم اعظم خداوند در نزد ما  
می‌باشد. و یک حرف مخصوص علم غیب خداوند است، و هیچ  
نیرو و قدرتی در جهان اثرگذار نیست مگر قدرت الهی.

حضرت امام صادق علیہ السلام می فرمایند:

«إنَّ عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ عَلَيْهِ الْأَعْلَمُ أُعْطِيَ حِرْفِينَ كَانُوا يَعْمَلُ بِهِمَا، وَأُعْطِيَ  
مُوسَى عَلَيْهِ الْأَعْلَمُ أَرْبَعَةَ أَحْرَفَ وَأُعْطِيَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ الْأَعْلَمُ ثَمَانِيَّةَ أَحْرَفَ وَأُعْطِيَ  
نُوحَ عَلَيْهِ الْأَعْلَمُ خَمْسَةَ عَشَرَ حَرْفًا وَأُعْطِيَ آدَمَ عَلَيْهِ الْأَعْلَمُ خَمْسَةَ وَعِشْرِينَ حَرْفًا؛  
بَهْ حَضْرَتِ عِيسَى عَلَيْهِ الْأَعْلَمُ دُوَّحَرْفَ (اَز اسَم اَعْظَم) دَادَهْ شَدَّ كَهْ اَز آنَهَا  
اسْتَفَادَهْ مِنْ نَمُود. وَبَهْ حَضْرَتِ مُوسَى عَلَيْهِ الْأَعْلَمُ چَهَارَ حَرْفَ دَادَهْ شَدَّ وَبَهْ  
حَضْرَتِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ الْأَعْلَمُ هَشْتَ حَرْفَ دَادَهْ شَدَّ وَبَهْ حَضْرَتِ نُوحَ عَلَيْهِ الْأَعْلَمُ  
پَانِزَهْ حَرْفَ وَبَهْ حَضْرَتِ آدَمَ عَلَيْهِ الْأَعْلَمُ بِيَسْتَ وَپِنْجَ حَرْفَ دَادَهْ شَدَّ.  
حَضْرَتِ عِيسَى عَلَيْهِ الْأَعْلَمُ تَمَامَ مَعْجزَاتِهِ، اَز جَمْلَه شَفَادَدَن بِيَمَارَان، زَنَدَهْ كَرَدَن  
مَرْدَگَانَ وَخَبَرَ دَادَن اَز غَيْبَ را تَنَهَا بَا عَلَمَ بَهْ اَيْنَ دُو حَرْفَ اِجْمَاعَ دَادَهْ. حَضْرَتِ

موسى علیه السلام با علم به چهار حرف، معجزات خود، مانند شکافتن دریا، ازدهانمودن ۱۵۱  
عصا و ... را انجام داد. همچنین با علم به هشت حرف، آتش بر حضرت ابراهیم علیه السلام  
گلستان شد.

«وَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمْعُ ذَلِكَ كَلَمَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّدَ وَإِنَّ اسْمَ اللَّهِ الْأَعْظَمُ ثَلَاثَةٌ  
وَسَبْعُونَ حِرْفًا أُعْطِيَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّدَ إِثْنَيْنِ وَسَبْعينَ حِرْفًا وَحِجْبُ عَنْهُ  
حِرْفٌ وَاحِدٌ»<sup>(۱)</sup>.

و خداوند تمام قسمتهایی را که به انبیای گذشته علیهم السلام اعطای فرموده  
بود به پیامبر خاتم صلی الله علیه و سلّم داد. اسم اعظم خداوند هفتاد و سه حرف  
دارد که از آنها هفتاد و دو حرف به پیامبر صلی الله علیه و سلّم داده شده است و  
یک بخش از ایشان صلی الله علیه و سلّم پوشیده ماند.

این یک حرف که از پیامبر صلی الله علیه و سلّم پوشیده مانده، مخصوص خداوند متعال  
می‌باشد و فارق جایگاه خداوند از دیگر مراتب است. حضرت سیدالشهدا علیه السلام که با  
رسول خدا صلی الله علیه و سلّم از یک نور واحداند، تمام هفتاد و دو حرف را دارا هستند.  
بنابراین، انگیزه‌ها و دواعی حضرت سیدالشهدا علیه السلام در واقعه‌ی عاشورا را  
می‌توان در رابطه و پیوند ایشان علیه السلام با پروردگار خویش جستجو کرد.

**شاکله‌ی عمل حضرت سیدالشهدا علیه السلام**  
صورت و شاکله‌ی عمل حضرت علیه السلام همان وقایع جانسوزی است که در روز  
عاشورا اتفاق افتاد. مصیبتی که نه تنها شیعیان و دوستداران حضرت امام

۱۵۱ حسین علیہ السلام را غمگین، محزون و نالان نموده، بلکه حضرات معصومین علیہما السلام نیز بر آن گریستند. روایت ذیل، گویای این مطلب است که شاکله‌ی عمل حضرت امام حسین علیہ السلام آن گونه مصیبت‌وار بود که حضرت فاطمه علیہ السلام و تمام ملائکه را به‌گریه واداشت. ابو بصیر<sup>(۱)</sup> از حضرت امام صادق علیہ السلام نقل می‌کند:

«كنت عند أبي عبد الله عليه أحدثه، فدخل عليه ابنه، فقال عليه له : «مرحباً» وضمه وقبله وقال عليه : «حرر الله من حرقكم وانتقم ممن وترككم وخذل الله من خذلكم ولعن الله من قتلכם وكان الله لكم وليناً وحافظاً وناصراً، فقد طال بكاء النساء وبكاء الأنبياء والصديقين والشهداء وملائكة السماء»، ثم بكى وقال عليه : «يا أبا بصير ! إذا نظرت إلى ولد الحسين عليه أتاني ما لا أملكه ، بما أتى إلى أبيهم وإليهم . يا أبا بصير ! إن فاطمة عليه لتيكيه فتشهق ، فترفر جهنم زفة ، لو لا أن الخزنة يسمعون بكائهم وقد استعدوا لذلك مخافة أن يخرج منها عنق أو يشرد دخانها ، فيحرق أهل الأرض ... فلاتسكن حتى يسكن صوت فاطمة الزهراء عليه ... قلت : «جعلت فداك ، إن هذا الأمر عظيم» . قال عليه : «غيره أعظم منه مالم تسمعه» . ثم قال عليه لي : «يا أبا بصير ! أما تحب أن تكون فيمن يسعد فاطمة عليه ». فبكى

حين قالها ، فما قدرت على المنطق وما قدر على كلامي من البكاء . ثم قام إلى المصلى يدعو ، فخرجت من عنده على تلك الحال ، فما انتفعت بطعام وما جاءني في النوم وأصبحت صائماً وجلاً حتى أتيته ، فلما

۱۸ ۱. او ثقه و اهل کوفه بوده است و از حضرت امام باقر و حضرت امام صادق علیهم السلام روایات فراوانی نقل کرده است (معجم رجال حدیث، جلد ۲۰، صفحه ۷۴).

رأيته قد سكن سكنتُ و حمدت الله حيث لم تنزل بي عقوبة»<sup>(۱)</sup>.

۱۵۱

محضر مبارک حضرت امام صادق علیه السلام بودم و با ایشان سخن می‌گفتم. در این هنگام یکی از فرزندان حضرت علیه السلام داخل شد. امام علیه السلام به او فرمودند: آفرین و او را به سینه‌ی خود چسبانیدند و او را بوسیدند و فرمودند: خدا ذلیل کند کسانی که شما را ذلیل کنند و انتقام گیرد از آنان که به شما ظلم کنند، و خوار کند افرادی که شما را خوار کنند، و لعنت کند اشخاصی که شما را می‌کشنند و خدا ولی و حافظ و ناصر شما باشد، زنان و انبیا و صدیقان و شهدا و فرشتگان آسمان بسیار برابر شما گریستند، سپس آن حضرت علیه السلام گریستند و فرمودند: ای ابو بصیر! هر گاه به فرزندان حضرت امام حسین علیه السلام نگرم به واسطه‌ی مصیبت و ظلمی که به پدرشان و خودشان شده حالتی به من دست می‌دهد که قادر به جلوگیری از آن نیستم. ای ابو بصیر! حضرت فاطمه علیها السلام بر آن حضرت علیه السلام گریستند و ضجه زدند و به دنبال آن، جنّهم فریادی کشید و آتش آن، به گونه‌ای شعله و رشد که اگر فرشتگان نگهبان صدای گریه‌ی حضرت فاطمه علیها السلام را نمی‌شنیدند و سریع آماده نمی‌شدند تا آن را کترول کنند؛ خوف آن بود که از درون دوزخ، آتش زبانه کشد یا دود آن بیرون رفته و اهل زمین را بسویاند؛ ولی در عین حال دوزخ ساکت و آرام نمی‌شود، مگر صدای حضرت فاطمه علیها السلام آرام گردد. ابو بصیر می‌گوید: محضر مبارک حضرت امام

صادق علیه السلام عرضه داشتم: فدایت شوم، این امر بسیار عظیم و بزرگ است! حضرت علیه السلام فرمودند: از این عظیم تر غیر آن، یعنی خبری که نشنیده ای می باشد. سپس فرمودند: ای ابا بصیر! دوست نداری در زمرة کسانی باشی که حضرت فاطمه علیه السلام را خوشحال می کنند؟ ابو بصیر می گوید: وقتی امام علیه السلام این کلام را فرمودند، طوری گریستم که قادر بر سخن گفتن نبودم و چنان بغض گلویم را می فشد که توانایی بر تکلم نداشتم. سپس حضرت علیه السلام به پا خواستند و به جایگاه نماز تشریف بردن و به خواندن دعا پرداختند. من پس از مجلس با چنین حالی برخاسته و بیرون آمدم. پس من نه طعام خوردم و نه خوابیدم و صبح روز بعد را با حالی ترسان روزه گرفتم تا آنکه دوباره به محضر مبارک امام علیه السلام مشرف شدم. پس وقتی حضرت علیه السلام را آرام دیدم، من نیز آرام گرفتم و از اینکه عقوبت و بلایی بر من نازل نشده حق تعالی را حمد و ستایش نمودم.

طبق روایت فوق، حضرت فاطمه زهرا علیه السلام برای مصائب حضرت سیدالشهدا علیه السلام شیون و ناله سر می دهند؛ اما به راستی برای کدام یک از مصیبتهای روز عاشورا ناله سر می دهند؛ آیا برای جنازه قطعه شده حضرت علی اکبر علیه السلام می گریند؟ یا برای حلقوم دریده حضرت علی اصغر علیه السلام اشک می ریزند؟ یا ناله حضرت علیه السلام برای جنازه زنده سیزده ساله حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام است که زیر دست و پای ستوران قرار گرفت؟ آیا به دستهای بریده حضرت ابا الفضل العباس علیه السلام می گریند؟ یا برای آن لحظهای

می‌گریند که سنگ بر پیشانی حضرت اباعبدالله علیهم السلام برخورد کرد:

فوقه لعلیهم السلام يستريح ساعة وقد ضعف عن القتال ، فبينما هو واقف إذا  
أناه حجر فوق في جبهته ، فأخذ الشوب ليمسح الدم عن وجهه ، فأناه  
سهم محدّد مسموم له ثلاث شعب ، فوق السهم في صدره... ثم أخذ  
السهم فأخرجها من قفاه ... فلما امتلأت ، لطخ بها رأسه ولحيته :  
وقال علیهم السلام : « هكذا أكون حتى ألقى جدي رسول الله وأنا مخصوص  
بدمي »<sup>(۱)</sup>.

حضرت امام حسین علیهم السلام لحظه‌ای توقف نمودند تا استراحت  
کنند؛ زیرا از جهاد ضعیف و خسته شده بودند. در آن هنگامی که  
ایستاده بودند، ناگاه سنگی آمد و بر پیشانی مبارک‌شان اصابت  
کرد. وقتی خواستند خون‌های صورت مبارک خود را با گوشی  
لباس پاک نمایند، ناگاه تیری که تیز و مسموم و سه شاخه بود بر  
سینه‌ی حضرت علیهم السلام اصابت کرد... سپس حضرت سید  
الشهداء علیهم السلام آن تیر را گرفته و از پشت مبارک خود خارج  
نمودند... وقتی موضع تیر پر از خون شد، آن را به سر و محاسن  
خویش مالیدند و فرمودند: «من همین طور خواهم بود تا جدم  
پیامبر خدا علیه السلام را ملاقات نمایم، در حالی که بدن ام با خون من  
خصاب شده است».

روزی حضرت سیدالشہدا علیهم السلام به محضر برادرشان حضرت امام حسن  
مجتبی علیهم السلام مشرف شدند؛ اما حضرت امام حسن علیهم السلام مشغول گریه و ناله بودند.

۱۵۱ حضرت امام حسین علیه السلام علّت گریه‌ی برادرشان را پرسیدند. حضرت امام حسن

مجتبی علیه السلام فرمودند: گریه‌ی من به خاطر مصیبت‌هایی است که بر شما وارد می‌شود. دشمنان مرا مسموم کرده و به شهادت می‌رسانند؛ اما:

«لَيْوَمَ كَيْوَمَكِ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ! يَزْدَلِفُ إِلَيْكَ ثَلَاثُونَ أَلْفَ رَجُلٍ يَدْعُونَ أَنَّهُمْ مِنْ أُمَّةِ جَدِّنَا مُحَمَّدَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَيَنْتَهُونَ دِينَ إِلَيْسَام ، فَيَجْتَمِعُونَ عَلَى قَتْلِكَ وَسَفْكِ دَمِكَ وَإِنْتَهَاكِ حِرْمَتِكَ ، وَسَبْيِ ذَارِيِّكَ ، فَعِنْدَهَا تَحْلُّ بَنْيَ أُمَّةِ اللَّعْنَةِ ، وَتَطَرَّ السَّمَاءُ رَمَادًا وَدَمًا وَيَبْكِي عَلَيْكَ كُلَّ شَيْءٍ حَتَّى الْوَحْشُ فِي الْفَلَوَاتِ ، وَالْحَيْثَانُ فِي الْبَحَارِ»<sup>(۱)</sup>.

هیچ روزی مثل روز (عاشرای) تو نخواهد بود یا ابا عبد الله علیه السلام! زیرا تعداد سی هزار نفر مرد در اطراف تو اجتماع می‌کنند و ادعای می‌کنند جزو امت جد ما حضرت محمد صلی الله علیه و سلّم هستند و خود را به دین اسلام می‌بنند؛ ولی آنان برای کشتن، ریختن خون، هتک حرمت، اسیر کردن فرزندان تو از دحام خواهند کرد. در این روز، لعنت پروردگار دامن‌گیر بنی امیه می‌شود و آسمان خاکستر و خون می‌بارد و هر چیزی برای مظلومیت تو گریان می‌شود، حتی حیوانات وحشی در صحراها و ماهیان در دریاها.

هیچ شهیدی را نمی‌توان با حضرت سید الشهداء علیه السلام مقایسه کرد؛ زیرا خداوند

متعال در حدیث لوح می‌فرماید:

«وَأَرْفَعُ الشَّهَادَاءِ دَرْجَةً»<sup>(۲)</sup>.

۱. همان، صفحه ۲۱۸.

۲۲

۲. کافی، جلد ۱، صفحه ۵۲۷.

درجه‌ی حضرت امام حسین علیه السلام از درجه‌ی تمام شهدا، بالاتر و رفیع تر است.<sup>(۱)</sup>

ابو حمزه‌ی ثمالي می‌گوید: هرگاه به محض حضرت امام سجاد علیه السلام شرفیاب می‌شدم، ایشان علیه السلام را گریان می‌دیدم. به ایشان علیه السلام عرض کردم که شهادت در خاندان شما بی سابقه نبوده است؛ زیرا حضرت امیر المؤمنین علیه السلام یا امام حسن مجتبی علیه السلام نیز به شهادت رسیدند، پس چرا برای شهادت پدر بزرگوارتان علیه السلام بی‌تابعی می‌کنید؟ حضرت علیه السلام فرمودند: ای ابو حمزه! درست است که شهادت در خاندان ما بی سابقه نبود؛ اما اسارت خاندان ما بی سابقه بود.<sup>(۲)</sup>

شاکله‌ی عمل حضرت سیدالشهدا علیه السلام و کیفیت شهادت ایشان علیه السلام و رفتار خبیثانه‌ی کسانی که در صحنه‌ی عاشورا بر حضرت علیه السلام شوریدند و ایشان علیه السلام و یاران باوفایشان را با نهایت برحیمی به شهادت رساندند، براین مطلب گواهی می‌دهد که بنی امية و کسانی که آنها را به حکومت گماشتند، استحقاق لعن و نفرین ابدی دارند؛ همچنین لعنت خداوند بر عمر بن خطاب زیرا او بود که باعث شد معاویه و بعد از مرگ وی، یزید-که بسیاری از علمای اهل سنت نوشتند: او تاریخ الصلاة و شارب الخمر بود<sup>(۲)</sup>- زمام امور را به دست بگیرند و اسلام را از جایگاه واقعی خود منحرف کنند.

طبق روایت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام، تمام مخلوقات برای مصائب عظیم حضرت سیدالشهدا علیه السلام گریستند. محتشم کاشانی علیه السلام می‌گوید:

در بارگاه قدس که جای ملال نیست

سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است

بعضی از افراد، محتشم کاشانی را به دلیل اشعاری که مضامین روایت فوق را به شعر در آورده است، به اغراق‌گویی متهم می‌کنند. ظاهراً آنان این نوع روایات را ندیده‌اند که همه‌ی موجودات برای مصائب حضرت سیدالشهداء علیهم السلام سوگواری کرده‌اند.

### ثمرات عمل حضرت سیدالشهداء علیهم السلام

مهم‌ترین ثمره‌ی قیام حضرت سیدالشهداء علیهم السلام احیای دین اصیل و مقدس اسلام است. اما در عین حال، هنگامی که بحث از احکام فقهی دین مطرح می‌شود، بعضی از احکام به خاطر ایشان علیهم السلام تغییر می‌یابد. به عنوان نمونه یکی از احکام فقهی دین حرمت خوردن خاک است؛ اما خوردن تربت حضرت سیدالشهداء علیهم السلام مستحب است<sup>(۱)</sup>. محمد بن مسلم<sup>(۲)</sup> از حضرت امام محمد باقر و حضرت امام جعفر صادق علیهم السلام نقل می‌کند:

«والشفاء في تربته وإجابة الدعاء عند قبره ولا تعدد أيام زائرية جائياً<sup>(۳)</sup>  
وراجعاً من عمره».

(خداؤند متعال) تربت مرقد شریف ایشان (حضرت امام حسین علیهم السلام) را شفابخش قرار داد و دعا را کنار مرقدشان اجابت

۱. النهاية، صفحه ۵۹۰؛ السرائر، جلد ۱، صفحه ۳۱۸؛ شرائع الإسلام، جلد ۴، صفحه ۷۵۳.

۲. وی فقیه، پرهیزکار و از موثق‌ترین راویان به شمار می‌رود و صاحب کتاب چهارصد مسنله در ابواب حلال و حرام می‌باشد (معجم رجال حدیث، جلد ۱۷، صفحه ۲۴۷).

۲۴

۳. بحار الأنوار، جلد ۴۴، صفحه ۲۲۱.

می‌کند و روزهایی را، که زائران برای رفتن به زیارت حضرت ۱۵۱ سیدالشہدا علیہ السلام بازگشت سپری نمایند، از روزهای عمر آنان به شمار نمی‌رود.

حضرت امام صادق علیہ السلام می فرمایند:

«لیس من ملک ولا نبی فی السماوات إلّا وهم يسألون الله أَن يأذن لهم  
فی زیارة قبر الحسین علیہ السلام فوج ینزل وفوج یعرج»<sup>(۱)</sup>.

هیچ فرشته‌ای و پیامبری در آسمان‌های است؛ مگر آنکه از خداوند درخواست می‌کنند که پروردگار به آنها اذن دهد که قبر حضرت سیدالشہدا علیہ السلام را زیارت کنند؛ لذا فوجی از آسمان به زیر آمده و به زیارت حضرت سیدالشہداء علیہ السلام رفت و فوجی از زیارت برگشته و به سوی آسمان بالا می‌روند.

بر اساس روایت فوق، تمام ملائکه همچون جبرئیل (ناموس وحی)، عزرائیل (ناموس قبض روح) و میکائیل (ناموس رزق)، از خداوند درخواست می‌کنند بر سر قبر حضرت سیدالشہدا علیہ السلام حاضر شوند و ایشان علیہ السلام را زیارت کنند.

### توصیه‌های مهم به هیئت‌عزاداری

با توجه به عمل ارزشمند حضرت سیدالشہدا علیہ السلام و نقش عظیم نهضت ایشان علیہ السلام در احیای دین، بر همگان واجب است آموزه‌های نهضت عاشورا را فراغی‌رند و به دیگران معرفی کنند. همچنین عزاداری‌ها لبریز از عشق و معرفت

باشد و در این راستا نظام جمهوری اسلامی باید مقدمات و تدارکات این کار را فراهم نماید؛ زیرا کسانی که بر اریکه‌های قدرت این نظام تکیه زده‌اند، باید بدانند هر چه که دارند به برکت خون حضرت سیدالشهدا علیه السلام و روز عاشورا می‌باشد. حضرت سید الشهدا علیه السلام ولی نعمت و واسطه‌ی فیض الهی هستند و به اقتضای شکر نعمت و منعم، حمام‌سی عاشورا باید هر چه بیشتر مورد بزرگداشت و تکریم قرار بگیرد.

در شکل و کیفیت عزاداری‌ها باید سنت‌های حسنی پیش‌نیان حفظ و احیا شود و در نگهداری امانت گذشتگان و برپاداری مجالس عزاداری از هیچ کوششی فروگذار نشود؛ زیرا حضرات معصومین علیهم السلام اقامه کنندگان و شرکت کنندگان در این مجالس را مورد توجه و عنایت خاصی قرار می‌دهند.

فضیل می‌گوید: در اول ماه محرم، حضرت امام صادق علیه السلام به من فرمودند:

دیشب کجا بودی؟ عرض کردم: دیشب بین ماکسی بود که می‌گفت: هلال ماه محرم را دیدم. لذا یکی از دوستان و ارادتمندان شما به مناسب اول محرم، مجلسی منعقد نموده بود، و ما برای ناله و عزاداری بر جدّ بزرگوارتان حضرت سیدالشهدا علیه السلام و اهل بیت آن حضرت علیه السلام در مجلس او شرکت کردیم و بر مصائب اهل بیت شما علیهم السلام گریستیم. حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند:

«نور الله قلبك و شرح صدرك و آجرك على حسن صنعك و ولائك لأهل بيت نبیک».

خداآوند دلت را روشن کند، و به تو شرح صدر مرحمت فرماید، و تو را بر این عمل خوب و مواليات تو با اهل بیت پیامبر علیهم السلام پاداش دهد.

حضرت علیه السلام فرمودند: ای فضیل! هنگامی که از مجلس عزا بیرون آمدی،

جلوی در به چیزی برخورد نکردی؟ عرض کردم :بله ، خداوند مرا فدای شما

گرداند . با مردی که جلوی در نشسته بود برخورد کردم . فرمود : آن شخص را می‌شناختی؟ گفتم : هوا تاریک بود و نتوانستم او را بشناسم . حضرت علیهم السلام فرمودند : من جلوی در نشسته بودم ! گفتم : برای چه به داخل مجلس نیامدید تادر صدر مجلس بنشینید ؟ به خدا قسم ! شما صاحب عزا هستید و واجب است به شما تعزیت بگوییم . حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند : می‌خواستم وارد مجلس شوم ؛ امادیدم در صدر مجلس ، جدّم رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام حضور دارند و با شما برای حضرت سیدالشهدا علیه السلام می‌گریستند و نوحه و عزاداری می‌کردنند <sup>(۱)</sup> .

شخصی به نام ملا عباس چاووش مازندرانی ، هر سال عده‌ای را در ایام عاشورا به کربلا می‌برد . ایشان یک سال به دلیل مشکلات مالی ، نمی‌توانست به کربلا مشرف شود . در این هنگام ، جوانان و عاشقان کربلا با هم جمع شدند و تصمیم گرفتند مشکلات او را برطرف کنند . بعد از اینکه مشکلات ملا عباس برطرف شد ، به همراه کاروان به سمت کربلا حرکت کرد . ملا عباس می‌گوید : شبی که به کربلا رسیدم ، بسیار خسته بودیم و در کاروان سرا به خواب فرو رفتیم . نیمه‌های شب با صدای کوبیدن در ، سراسیمه بیدار شدم . دیدم غلام سیاهی پشت در ایستاده است . به من گفت : ملا عباس چاووش که از مازندران آمده شما هستی؟ گفتم : بله . گفت : حضرت اباعبدالله علیه السلام می‌خواهد به دیدار شما بیایند . گفتم : حضرت علیه السلام کجا هستند که ما شرفیاب شویم؟ گفت : شما همینجا حضور داشته باشید ، حضرت علیه السلام به دیدن شما می‌آیند . ناگهان شخصی که چهره‌ای نورانی داشت ، وارد

حجره شدو به من عنایت و ملاطفت کرد . فهمیدم ایشان ، حضرت امام حسین علیه السلام می باشند . سپس به من فرمودند : شما در مازندران جلسه‌ی هفتگی برای ذکر فضایل و مصایب ما اهل بیت علیه السلام دارید ؟ گفتم : آری . حضرت علیه السلام فرمودند : آیا مرد کهن‌سالی را می‌شناسی که در مجلس ، کنار در ورودی می‌نشینند و کفش‌های محبان اهل بیت علیه السلام را مرتب می‌کند ؟ گفتم : آری . حضرت علیه السلام فرمودند : سلام مرا به آن پیر مرد برسان <sup>(۱)</sup> .

با توجه به داستان‌ها و کراماتی که از حضرات معصومین علیهم السلام نقل شده است ، ایشان علیه السلام در جلساتی که برای فضایل و مناقب اهل بیت علیه السلام برگزار می‌شود ، حضور دارند و هیچ فعلی از افعال انسان ، از دیدگاه آنان علیه السلام پنهان نمی‌ماند . نکته‌ی دیگر ، در مورد سیاه‌پوش شدن شهرها و مردمان جامعه است . سیاه پوشیدن برای ماتم حضرت سید الشهداء علیه السلام بعد از شهادت ایشان علیه السلام آغاز شده است . عمر بن علی بن الحسین علیهم السلام <sup>(۲)</sup> می‌گوید :

«لَمَّا قُتِلَ الْحَسِينُ بْنُ عَلَيٍّ عَلِيهِ السَّلَامُ لَبِسَ نِسَاءُ بْنِي هَاشِمَ السَّوَادَ» <sup>(۳)</sup> .

زمانی که حضرت حسین بن علی علیه السلام به شهادت رسیدند ، زنان بنی هاشم لباس سیاه پوشیدند .

پوشیدن لباس سیاه در تمام اقوام حتی در اروپا ، از شعایر عزا و ماتم به حساب می‌آید . اینکه بعضی از افراد به پوشیدن لباس سیاه اشکال می‌کنند و آن را نشانه‌ی

۱. کرامات الحسینیه ، جلد ۲ ، صفحه ۱۱ .

۲. او اهل مدینه بود و از اصحاب حضرت امام محمد باقر علیه السلام می‌باشد (معجم رجال حدیث ، جلد ۱۳ ، صفحه ۴۷) .

۳. المحاسن ، جلد ۲ ، صفحه ۴۲۰ ; وسائل الشیعه ، جلد ۲ ، صفحه ۲۳۸ ; بحار الانوار ، جلد ۲۸ ، صفحه ۱۸۸ ، ۴۵ .

افسردگی می‌دانند، یا به دلیل بی‌سواندی آنان است و یا به خاطر سوء‌سریره و خبث باطن آن‌هاست. ضمن آن که حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام نیز بعد از شهادت پدر بزرگوارشان علیه السلام در روز بیست و یکم ماه مبارک رمضان لباس سیاه پوشیدند و برای مردم خطبه ایجاد نمودند<sup>(۱)</sup>.

بنابراین، باید پوشش شهر کاشان در ماه محرم متغیر و شهر یکپارچه حسینیه شود و شور حسینی به خود بگیرد؛ زیرا کاشان قدمت دیرینه‌ای در احیای عزاداری حضرت سیدالشهدا علیه السلام دارد. از افتخارات شهر کاشان این است که فرزند حضرت امام محمد باقر علیه السلام را به این شهر دعوت نمودند و این نشانه‌ی ارادت خالصانه‌ی مردمان شهر کاشان در قبال حضرات معصومین علیهم السلام بوده است.

نقل می‌کنند: حاکمی از اهل سنت وارد شهر کاشان شد و شنیده بود مذهب تمام مردم این شهر شیعه می‌باشد. به ماموران اش دستور داد که اگر شخصی به نام ابوبکر، عمر یا عثمان را در این شهر نیافتدید، شما را مجازات می‌کنم. ماموران هر چه گشتند کسی را به این نام‌ها پیدا نکردند. در این میان به پیرمرد لنگ و کوری برخورد کردند و نامش را پرسیدند. آن پیرمرد گفت: نامم علی است. ماموران گفتند: این پول را قبول کن و هنگامی که نزد حاکم رفتی بگو نام من، عمر است. پیرمرد گفت: من این کار را قبول نمی‌کنم. ماموران به پیرمرد گفتند: اگر انجام دهی، جان عده‌ای رانجات می‌دهی. آن پیرمرد پذیرفت و نزد حاکم رفت و گفت: اسم من عمر است. حاکم رو به ماموران اش کرد و گفت: بعد از جستجوهای فراوان، این شخص پیر، لنگ و کور را یافتید؟! ماموران گفتند: آب و هوای کاشان، بهتر از

بنابراین، مردم کاشان از زمان ائمه علیهم السلام افتخار شیعه بودن را داشته‌اند؛ لذا باید از میراث گذشتگان صیانت شود. همچنین انسان، در این راه باید خود را آماده‌ی رویارویی با هر نوع مانع و یا خطر احتمالی نماید. مرحوم پدرم<sup>(۱)</sup> می‌فرمودند: «در زمان رضا شاه پهلوی که ما خردسال بودیم؛ از روضه‌خوانی جلوگیری می‌کردند و موانع فراوانی ایجاد می‌کردند؛ اما این مسایل مانع عزاداری‌ها نمی‌شد و در سردادهای منازل، چاوشی و عزاداری می‌نمودیم و وقتی به منزل می‌آمدیم، صدای اذان صبح شنیده می‌شد!»

نکته‌ی دیگر آن است که باید سنت زیارت حضرت سیدالشهدا علیهم السلام پابرجا بماند. در زمان حضرت امام هادی علیهم السلام، ماموران متولی مانع از زیارت عاشقان و دل‌سوختگان حضرت سیدالشهدا علیهم السلام شدند؛ اما وقتی خیل جمعیت آن‌ها را دیدند و حریف آن‌ها نمی‌شدند، دستور دادند برای انجام زیارت باید عضوی از اعضای زائرین قطع شود. نقل می‌کنند: به زائری گفتند برای انجام زیارت باید دست راستات قطع شود. او در جواب گفت: شما دست راست ام را در سال گذشته قطع کردید؛ امسال دست چپ‌ام را قطع کنید!

گذشتگان و پیشینیان با همه‌ی این موانع به کربلا می‌رفتند و سنت حسنی زیارت را حفظ و احیا می‌کردند.

توصیه‌ی دیگر آنکه در عزاداری حضرت سیدالشهدا علیهم السلام اطعم کنید؛ زیرا اهل بیت علیهم السلام دستور دادند در راه ایشان علیهم السلام بذل مال شود. عمر بن علی بن الحسین علیهم السلام می‌گوید:

۳۰

۱. حضرت آیت الله آقا حاج سید مهدی یثربی رضوان الله عليه.

«كان عليّ بن الحسين عليهما السلام يعمّل لهن الطعام للمأتم»<sup>(١)</sup>.

حضرت امام علی بن حسین علیهم السلام به علت اینکه آنان (زنان بنی هاشم) ماتم زده بودند، برای ایشان غذا درست می کردند.

بنابراین با توجه به ثواب عظیم اطعام عزاداران، سعی شود این عمل به بهترین وجه انجام گیرد و به دست فقرارسانده شود. بعضی از افراد جامعه، این عمل را پسندیده نمی دانند و می گویند: عمل دیگری جایگزین این کار شود. این افراد ظاهراً هیئت موجود در کاشان را شناسایی نکرده و وابستگی مجموعه‌ی افراد به هیئت‌هارا مشاهده نکرده‌اند. در این شهر، اگر شخصی جزو افراد هیئت نباشد، بعد از مرگ، غریب و تنها دفن می شود؛ اما اگر جزو افراد هیئت باشد و بمیرد، تشکیلات فراوانی برای او به راه می اندازند و او را با احترام و تکریم فراوان خاکسپاری می کنند. علاوه بر آن، افراد داخل هیئت در هنگام بروز مشکلات مالی، دست یاری به هم می دهند تا آن مشکل را بطرف نمایند.

نکته‌ی دیگر این است که عزاداری و گریه بر حضرت سیدالشهدا علیهم السلام جزو عبادات محسوب می شود و پذیرش هر عبادتی در بارگاه الهی، منوط به اخلاص شخص می باشد. اگر در این راه اخلاص نباشد، مورد پذیرش واقع نمی شود. اگر عزاداران هیئتی، هنگامی که هیئت رقیب سر بر سد، به دلیل رقابت، محکم‌تر به سینه‌ها بزندند، این عزاداری برای رضای خدا نمی باشد.

مرحوم شیخ انصاری تبریزی هر هفته در منزل روضه‌خوانی داشتند و در آخر مجلس، طعام می دادند. نقل می کنند: سالی در شب عاشورا، شیخ انصاری تبریزی به

دلیل اذیت شدن همسایگان، دستور داد سینه‌زنی را انجام ندهند. در همان شب به خواب می‌رود و حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام را در عالم رویا می‌بیند. حضرت علیها السلام فرمودند: ای شیخ! چرا از عزاداری محبان حضرت سیدالشہدا علیهم السلام جلوگیری نمودی؟ شیخ انصاری علیه السلام سراسیمه از خواب بیدار شد. سپس عزادارانی که در مجلس حضور پیدا می‌کردند، جمع‌آوری کرد و به همراه آنان، مشغول سینه‌زنی شد.

نکته‌ی دیگر این است که گریه کردن، اظهار جزع، سینه زدن، زنجیر زدن و لطمہ زدن به صورت (همان طور که زنان در حضور حضرت امام سجاد علیهم السلام این عمل را انجام می‌دادند و مورد تقریر و تجلیل حضرت علیهم السلام قرار می‌گرفتند)<sup>(۱)</sup> نه تنها ممنوع نیست؛ بلکه دارای اجر و پاداش فراوانی است.

حضرت امام صادق علیهم السلام فرمودند:

«إِنَّ الْبَكَاءَ وَالْجَزْعَ مُكْرُوْهٌ لِّلْعَبْدِ فِي كُلِّ مَا جَزَعَ، مَا خَلَا الْبَكَاءَ وَالْجَزْعَ عَلَى الْحَسِينِ بْنِ عَلَى علیهم السلام فَإِنَّهُ فِيهِ مَأْجُورٌ»<sup>(۲)</sup>.

برای بندۀ خدا، جزع نمودن و گریستن در تمام امور مکروه و ناپسند است، مگر گریستن و جزع کردن بر حسین بن علی علیهم السلام؛ زیرا در این گریستن اجر و پاداش فراوانی از خداوند دریافت می‌کند.

همچنین نام عزادار در زمرة‌ی خوشحال‌کنندگان حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام قرار می‌گیرد و چه سرمایه‌ای بالاتر از این که در روز قیامت بگوییم، در دنیا عملی

انجام دادیم که مورد رضایت حضرت فاطمه عليها السلام واقع شده است.

رسول خدا صلوات الله عليه و سلام به حضرت زهرا عليها السلام می فرمایند:

«إِنَّ اللَّهَ يُغْضِبُ لِغْصَبِكَ وَيَرْضُى لِرَضَاكَ»<sup>(۱)</sup>.

همانا خداوند متعال با غصب تو (حضرت فاطمه عليها السلام) غضبانک و  
با خشنودی تو، خشنود می شود.

بنابراین، هر نوع عزاداری که مصدقاق جزع بر حضرت سیدالشہدا عليهم السلام باشد  
انجام می دهیم؛ مگر اینکه از آن وهنی احراز شود. اگر هم بگویند: فلان عمل که  
صدقاق جزع است، به مذاق گروهی خوش نمی آید؛ در جواب می گوییم: ما عملی  
را برای رضایت دیگران انجام نمی دهیم؛ بلکه عمل را برای رضای خداوند متعال، و  
برای تشفی دل جد بزرگوار، مادر و خواهر حضرت سیدالشہدا عليهم السلام انجام  
می دهیم.

اخلاص و توجه به نکات فوق اقتضا می کند جوانان، بزرگان خود را احترام و  
تکریم کنند و به دستورات آنان جامه‌ی عمل پیشانند؛ در مقابل، بزرگان نیز با  
جوانان به خوبی برخورد کنند و به آنان احترام بگذارند؛ زیرا آینده‌ی جامعه در  
دستان جوانان است. روزی حضرت امام حسن مجتبی عليه السلام، فرزندشان و  
برادرزادیشان را دعا کردن و فرمودند:

«إِنَّكُمْ صَفَّارُ قَوْمٍ وَّيُوشِّكُ أَنْ تَكُونُوا كَبَارُ قَوْمٍ آخَرِينَ»<sup>(۲)</sup>.

همانا شما کودکان اجتماع هستید و امید می رود که بزرگان اجتماع  
فردا باشید.

۱. بحار الأنوار، جلد ۳۰، صفحه ۳۵۳؛ از منابع اهل سنت: المستدرک نیشابوری، جلد ۳،

صفحه ۱۵۴؛ مجمع الزوائد، جلد ۹، صفحه ۲۰۳.

۲. بحار الأنوار، جلد ۲، صفحه ۱۵۲.

نکته‌ی دیگر آن که صدای بلندگوها در عزاداری نباید بسیار بلند باشد؛ زیرا موجب آزار بعضی از همسایگان شده و گاهی سبب می‌شود عده‌ای از مکتب حضرت سیدالشهدا علیهم السلام فاصله بگیرند و آن را انکار کنند.

و در آخر توصیه می‌شود که در جلسات عزاداری، اموات و به ویژه، پدران و مادران را یادآوری کنید و برای آنان دعا کنید؛ زیرا آنان، محبت حضرت سیدالشهدا علیهم السلام را از طریق اشک چشمانشان و شیر سینه‌هایشان به ما منتقل کردند و اگر آنان محبت حضرت علیهم السلام را در دل‌های مانمی‌کاشتند، سرنوشت مادر دنیا و قیامت مشخص نبود. اگر پدران و مادران در قید حیات هستند، خداوند به آنان طول عمر عطا نماید و اگر از دنیا رفته‌اند، خداوند آنان را غریق رحمت واسعه‌ی خود بگرداند و آنان را مهمان حضرت سیدالشهدا علیهم السلام قرار دهد.

در پایان، امیدواریم این مجالس مورد عنایت صاحبان مجالس قرار بگیرد و موجب قوت، نصرت و پیشرفت هیئت‌مذهبی شود و وجود مقدس حضرت بقیة الله - عجل الله تعالى فرجه الشریف - را از همگان راضی و خشنود بگرداند.

والسلام عليکم ورحمة الله وبركاته

## خودآزمایی

- ۱ چه چیزی در روز قیامت مورد سنجش قرار می‌گیرد ؟
- ۲ دو نظریه در مورد تجسيم اعمال در روز قیامت را بیان نمایید ؟
- ۳ اعمال جوارحی و جوانحی به چه اعمالی گفته می‌شود ؟
- ۴ لطافت پرور دگار به چه معناست ؟
- ۵ مراتب سه گانه‌ی اعمال انسان را بیان کنید ؟
- ۶ مهم‌ترین عوامل و انگیزه‌های حضرت سیدالشهدا علیهم السلام در واقعه‌ی کربلا چه بوده است ؟
- ۷ حضرت سیدالشهدا علیهم السلام چند اسم از اسمای الهی را در اختیار داشتند ؟
- ۸ مهم‌ترین ثمرات قیام حضرت سیدالشهدا علیهم السلام را بیان کنید ؟
- ۹ آیا زنجیر زدن و لطمہ به صورت زدن برای عزاداری حضرت امام حسین علیهم السلام جایز است ؟
- ۱۰ آیا هر عملی رامی توان در عزاداری حضرت ابا عبدالله علیهم السلام انجام داد ؟

صورت و شاکله‌ی عمل حضرت علی‌الله‌یه همان  
وقایع جانسوزی است که در روز عاشورا  
اتفاق افتاد. مصیبته که نه تنها شیعیان و  
دوست‌داران حضرت امام حسین علی‌الله‌یه را  
غمگین، محزون و نالان‌نموده، بلکه  
حضرات معصومین علی‌الله‌یه نیز بر آن  
گردیدند ...

(صفحه ۱۷ از همین جزو)

- محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت:
- ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.
- شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸.
- در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

### محل برگزاری جلسات:

کاشان: حسینیه مرحوم آیت‌الله یشربی قلیخانی

تلفن: ۴۴۴۹۹۳۳-۴۴۴۴۵۲۷۷

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

www.yasrebi.ir